

فرازهایی از وصیت نامه ی شهید حسین حق گوین که در سن هجده سالگی در جزیره ی فاو به شرف شهادت نایل شد.

«ولا تحسبن الذین قتلو فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون»

به نام او که زنده به اویم و آنکه از اویم و به یاد آنکه به سوی او می رویم.

خدمت پدر و مادر و خواهران و برادران و آشنایان و اقوام عزیز سلام عرض کرده و از خدای مَنان برای شما صبر و اجر خواهانم.

اینجانب بنابه وظیفه ی خود حرف دلم را به عنوان وصیت نامه بر روی کاغذ می آورم. پدر و مادرم هر کسی آرزو دارد در دامادی فرزندش شرکت کند و در پیری عصای دستش باشد. می دانم شما مرا دوست دارید و هر کسی فرزندش را دوست دارد، اما آیا مرا بیشتر دوست دارید یا اسلام را یا دین خدا را یا امام زمان را؟ زندگی مطرح است یا اسلام؟ رضایت خدا مطرح است یا زندگی کردن؟ ... ما آمده ایم که برویم، آمده ایم که امتحان شویم، آمده ایم که پس حال که باید برویم و رفتن حق است، چه بهتر با رفتن وبا مرگمان رضایت خالق را بدست آوریم، ما که باید روزی از این دنیا رخت برکنیم چه بهتر است با رفتنمان روسفیدی و سرافرازی را بدست آوریم و

پدرم و مادرم و خواهرانم، شما هم مانند مادران دیگر آرزو داشتید که روزی در دامادیم شرکت کنید، اما عروس من در جبهه های نبرد است و عروسی من شهادت در راه اوست. سوت خمپاره ها و صدای شلیک مسلسل ها صیغه ی عقلم را می خوانند و نقل شب دامادیم رگبار گلوله های کافران است و سنگر خونین رنگم حمله گاهم است. آری پدرم و مادرم نام فرزندم پیروزی است و آزادی است. بعد از پیروزی و فتح کربلا در کنار قبر شش گوشه اش یادم کن و برای آمرزش گناهانم دعایم کن.

ای امام تنها بخاطر اینکه زندگیت را وقف اسلام نمودی و حکم خدا را اجرا و دستور خدا را پیاده کرده ای حاضرم صدها مرتبه در زیر بدترین شکنجه های کافران در راحت که همان راه پیامبر است جان بازم و باز زنده شوم و بمیرم که این مرگ باعث حیاتم خواهد بود. ای کافران اگر زنده زنده مرا تکه پاره کنید و اگر تکه های تنم را به آتش بکشید و اگر خاکستر حاصل از تکه های بدنم را در اعماق اقیانوس ها و دریاها بریزید و همزمان با آن موج دریاها، صدایم از اعماق آبها به هوا بلند خواهد شد که اسلام پیروز است و کافران و منافقان نابودند.

اگر سعادت شهادت نصیب این حقیر شد، نکات و یادآوری های زیر را به عنوان یادگار از خود باقی می گذارم: کاری که می کنید خالص برای خالق باشد. خدا را ناظر و شاهد اعمال خود کنید. حدیث است که به کوچکی گناه نگاه نکنید. فکر کنید از دستور چه کسی سر پیچی می کنید.

از شما پدرم و مادرم می خواهم بعد از شهادتم برای آمرزش گناهانم دعا کنید و از خواهرانم می خواهم صبر را پیشه خود کنید و از برادرانم می خواهم راهم را که راه حسین (ع) است ادامه دهند. پدر و مادرم بدانید که شهید زنده است و زنده شهید است و ما زندگان مرده ایم.